



مکروهات مرز محرمات و معاصی است/ تساوی و اختلاف زن و مرد

اگر کسی عملی را مرتکب شود و بداند که مکروه است، یعنی حق تعالی به طور غیر الزامی انجام آن کار را نپسندیده است، خود را به مرز محرمات و گناهان نزدیک کرده، و ممکن است در حرام واقع شود.

اگر کسی عملی را مرتکب شود و بداند که مکروه است، یعنی حق تعالی به طور غیر الزامی انجام آن کار را نپسندیده است، خود را به مرز محرمات و گناهان نزدیک کرده، و ممکن است در حرام واقع شود.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر گفتاری از آیت الله مرتضی تهرانی در مورد آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» است که در ادامه می خوانید:

عدم تفاوت بین زن و مرد، در صورت انجام عمل صالح همراه با ایمان

در این آیه و شریفه از سوره و بی مبارکه و بی نحل نکاتی وجود دارد که به طور جدی قابل ملاحظه است و بعضی مربوط به مسائل مطرح روز است. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ»؛ خدای متعال می و فرماید: کسی که کار خوبی انجام دهد، اعم از مرد و زن، در صورتی که ایمان داشته باشد، ما به او حیات طیبه عطا می و کنیم.

اولین نکته و ای که در این آیه و بی کریمه جلب توجه می و کند این است که حق تعالی موضوع و متعلق این اعطاء از سوی خود را مرد یا زنی قرار داده است، که کار خوب انجام می و دهد؛ کار خوب، کاری است که خدای متعال آن را عمل صالح نامیده است. بدین ترتیب خدای متعال عطای خود یعنی حیات و زندگی پاکیزه را به این مرد یا زن انجام و دهنده و بی عمل صالح عطا می و فرماید.

خدای متعال انسان را به گونه و ای خلق فرموده است که اگر بخواهد سعادت مند باشد، یعنی در قیامت زندگی راحت و خوب و رضایت و بخش داشته باشد، بایستی سعی کند که تا وقتی در دنیا زندگی می و کند کاری انجام ندهد که از سوی حق تعالی اباحه و جواز روی آن وجود ندارد. به عبارت دیگر کار حرام نکند، بلکه تنها کاری را انجام بدهد که خدای متعال تجویز کرده باشد. هرچند کار غیرخوب که حکم آن حکم کراهت است، انسان را جهنمی نمی و کند، ولی انجام مکروه دو اثر دارد. یک اثر در دنیا است که در مورد بسیاری از کارهای مکروه اثر ضد ارزشی آن دیده می و شود. اثر دوم این است که یک مقدار از اجر و ثوابی که ممکن بود فرد با ترک عمل مکروه در دنیا، در قیامت به دست می و آورد، به دست او نمی و آید.

امیرالمؤمنین صلوات و الله و علیه می و فرمایند: کسی که از مکروهات اجتناب و دوری کند، خود را از مرز محرمات دور نگاه داشته است. مکروهات مرز محرمات و معاصی است. اگر کسی عملی را مرتکب شود و بداند که مکروه است، یعنی حق تعالی به طور غیر الزامی انجام آن کار را نپسندیده است، خود را به مرز محرمات و گناهان نزدیک کرده، و ممکن است در حرام واقع شود، «يُوشِكُ أَنْ يَقَعَ فِيهَا». نپسندیدن الزامی حق تعالی همان معصیت و حرام است.

حق تعالی کارها و حرکات فیزیکی فرزندان حضرت آدم علی و نبینا و آله و علیه و السلام در دنیا، را سبب یک سری از آثار مرئی یا نامرئی قرار داده است. اگر کار ارزشی باشد، آثار آن اجمالاً خوب است که یا خوبی در دنیا و یا خوبی در دنیا و آخرت محسوب می و شود. اما اگر کارها ضد ارزشی باشد، آثار ناپسندی دارد، که انسان آن آثار را در دنیا و آخرت و یا فقط در دنیا نمی و پسندد.

اجر افکار مثبت نزد حق تعالی

تصور بدی کردن یا تصمیم بد گرفتن، تا وقتی به یک حرکت فیزیکی در اعضاء و جوارح انسان منجر نشود، موجب نمی و شود که این فرد استحقاق عقوبت و عذاب پیدا کند. ممکن است یک انسان در جهت افکار مثبت، مایل شود یا تصمیم بگیرد یک کار خوب انجام دهد اما مانعی به وجود آید و این فرد موفق به انجام کار نشود. حتی ممکن است یک فرد تصور کار خوب کند و میل هم پیدا نکرده باشد. کارهای خوب و مثبت کارهایی است که خدای متعال آن و را تجویز فرموده، یا خوبی آن را مثل مستحبات اعلام فرموده است. طبق آیات و روایات خدای متعال در برابر این فکر خوب، و این

خشنودی و رضایت به کار خوب، یا در برابر این تصمیم خوبی که موفق به انجام آن نشده است، به آن فرد اجر می‌دهد؛ ZWNJ. این فرق فکر خوب با فکر بد است.

یکی از فرمایشات نقل شده از امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم‌علیه‌است: "مَنْ رَضِيَ بِفِعْلِ قَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ". در روایت دیگر دارد کسی که کار بد مرتکب شود، یا دیگری را در انجام کار بد کمک کند، یا به کار بدی که دیگری مرتکب شده راضی شود، "العامل بفعل قومٍ و المعينُ لهم و الراضی به، شُرَكَاءُ ثلاث"، یعنی خدای متعال هر سه را عقوبت می‌دهد؛ ZWNJ. در قرآن کریم هم آمده است که تعاون بر اثم و عدوان مجازات دارد. راضی شدن به عمل نادرست شخص بدکار هم مجازات دارد و افراد به تناسب بدی فکرشان یا کار فیزیکی؛ ZWNJ. شان عقوبت می‌دهد؛ ZWNJ.

آثار تکرار عمل

اگر عملکرد خوب و کار ارزشی تکرار شود، ملکه و یک نوع نیروی خوب و مثبت در فرد ایجاد می‌دهد؛ ZWNJ. این نیروی خوب، صاحب خود را به کار خوب دعوت می‌دهد؛ ZWNJ. و پیام خوب به صاحب خود می‌دهد؛ ZWNJ. خدای متعال در اثر تکرار کار خوب این نیروی خوب را در او به وجود می‌آورد؛ ZWNJ. اثر دیگر این است که انسانی که کار خوب را انجام می‌دهد؛ ZWNJ. با تکرار عمل، سنگینی آن کاهش می‌یابد؛ ZWNJ. تا این؛ ZWNJ. که انسان به کار خوب عادت می‌کند و اگر نیت کند کار خوب انجام دهد آنرا بلافاصله انجام می‌دهد؛ ZWNJ. مانند کودکی که او را به سلام کردن عادت داده؛ ZWNJ. اند و تا یک نفر را می‌بیند سلام می‌دهد؛ ZWNJ.

اختلاف بین کار خوب و کار بد، اختلاف بین آثار کار خوب و آثار کار بد، اختلاف بین خیال کار خوب و خیال کار بد، تماماً دلیل بر محبت حق؛ ZWNJ. تعالی به بندگانش است، که این امر خارج از عدالت است. عدالت اقتضا می‌دهد؛ ZWNJ. کند که اگر شخصی کار خوب کرد، اجر آن را بگیرد و اگر کار بد کرد سزای آن را ببیند؛ اما این روش که اگر فردی نیت کار بد کرد به روی او نیاورند، و اگر نیت کار خوب کرد به او اجر و مزد بدهند، از لوازم عدالت نیست، و از چارچوب عدالت بیرون است، بلکه از فضل و رأفت حق؛ ZWNJ. تعالی است.

اگر انسان کار خوبی انجام داد که مورد اجازه؛ ZWNJ. ی حق؛ ZWNJ. تعالی بود، یعنی حرمت شرعی نداشت، انجام؛ ZWNJ. دهنده؛ ZWNJ. ی این کار، مرد یا زن، طبق این آیه؛ ZWNJ. ی کریمه به طور مساوی اجر می‌دهد؛ ZWNJ. گیرد مگر این؛ ZWNJ. که اختلاف فهم با هم داشته باشند. دلیل این مطلب روایتی از رسول اکرم صلی‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم‌علیه‌است. آن حضرت به اصحاب خود فرمودند: در قیامت، انسان جزا داده نمی‌شود مگر به اندازه؛ ZWNJ. ی فهم و عقل خود. اگر فهم و عقل فرد زیاد باشد، جزا زیادتر است و اگر انسان کم؛ ZWNJ. فهم باشد جزای او کم؛ ZWNJ. تر خواهد بود.

در دین مقدس اسلام از لحاظ این خصوصیات و ویژگی؛ ZWNJ. ها، بین زن و مرد با رعایت شروط آن، هیچ فرقی نیست و هر کس جزای خوب یا بد خود را می‌گیرد؛ ZWNJ. دلیل بر این نکته آیه؛ ZWNJ. ی مورد بحث از سوره؛ ZWNJ. ی مبارکه؛ ZWNJ. ی نحل است. "مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثٰی؛ یعنی برای من که خدا و خالق او هستم، مرد یا زن بودن عمل؛ ZWNJ. کننده با سایر شرایط و ویژگی؛ ZWNJ. هایش، فرق نمی‌کند و جزای او را می‌دهم؛ ZWNJ.

اختلاف زن و مرد در ادیان آسمانی تحریف شده

مرحوم علامه؛ ZWNJ. ی طباطبایی رضوان‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم‌علیه‌است؛ ZWNJ. تعالی؛ ZWNJ. علیه در تفسیر شریف المیزان در مورد این آیه؛ ZWNJ. ی کریمه به طور قطع می‌فرماید: این مطلب که خدای متعال بین وجود زن و وجود مرد، در خلقت روح و مغز آن؛ ZWNJ. ها فرق گذاشته و آن قوای باطنی را که به مرد عطا کرده، به زن عطا نکرده است، مربوط به دو دین آسمانی تحریف شده یعنی دین یهود و مسیحیت است. این موضوع در آثاری منعکس شده که از کتاب؛ ZWNJ. های غیر واقعی آن دو دین آسمانی به دست ما رسیده است. بیست؛ ZWNJ. و پنج-شش نوع انجیل وجود دارد در حالی که آن حضرت تنها یک انجیل از سوی حق؛ ZWNJ. تعالی برای مسیحیان آورده بودند. اصحاب درجه؛ ZWNJ. ی یک آن حضرت به هر مقداری که درک و حافظه داشتند مطالب را روی کاغذ آوردند. همان مطالب هم چند مرتبه تحریف شد و نتیجه؛ ZWNJ. ی آن، انجیل؛ ZWNJ. هایی شد که در دست مسیحیان است. انجیل واقعی و تورات واقعی به دست حضرت بقیة‌الله‌ارواح‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم‌علیه‌است.

یک بحث تاریخی مطرح است که چه؛ ZWNJ. گونه و چه کسانی این شهرت و این نسبت دروغ را به اسلام داده؛ ZWNJ. اند. این افراد آیه؛ ZWNJ. ی نودوهفت از سوره؛ ZWNJ. ی مبارکه؛ ZWNJ. ی نحل، "مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثٰی؛ را ندیده؛ ZWNJ. اند که به زن و مرد اجر مساوی داده می‌شود و شرط آن "وَهُوَ مُؤْمِنٌ؛ است.

روحانی&های بزرگ مسیحی و یهودی این نسبت را به اسلام داده‌اند. حداقل امتیاز قرآنی که در دست ما است، غیر از امتیازهای باطنی آن، این است که در هزاروچهارصد سال یک واو از آن کم و زیاد نشده است.

شیطان از زمان حضرت آدم سلام‌الله‌علیه بوده، و قسم خورده«بِعَرَّتِكَ» و به خدای متعال عرض کرده است تا جایی که بتوانم نمی‌گذارم بندگان تو، قدم در راه سعادت تو بگذارند،«لَأَعُوِّيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ». همین شیطان آن‌ها را کمک می‌کند تا این تهمت‌ها را به اسلام بزنند. متأسفانه عوام از مسلمانان هم تسلط و اشراف به آیات قرآن ندارند که جواب آن‌ها را بدهند.

فریب&های شیطان و درخواست آزادی مطلق در دنیا

قرآن در بعضی از آیات می‌فرماید: شیطان ابتدا یکی از فرزندان حضرت آدم را گول می‌زند و او را از راه توحید و خداپرستی خارج و در راه تقلید از شیطان و گناه و خلاف کردن وارد می‌کند. در نتیجه، چنین فردی حاضر است همه نوع تهمت به دین بزند و انواع پیشنهادهای ضد ارزش به جامعه عرضه کند. افرادی که از آزادی‌خواهی اسم می‌برند، علاوه بر این‌که نمی‌توانند این لغت را معنی کنند، نمی‌فهمند که امکان ندارد آزادی مطلق بین دو نفر حاکم باشد، زیرا هر یک خواستار نابودی دیگری است. بدین ترتیب هیچ کدام آزادی ندارند و یک مزاحم برای آن‌ها وجود دارد. حال چگونه ممکن است چند میلیارد نفر با آزادی مطلق در کنار هم زندگی کنند.

کسانی که می‌گویند آزادی می‌خواهیم، نمی‌فهمند چه می‌گویند. آن‌ها اول مطیع شیطان شده و معصیت و گناه کرده‌اند. مرتکب گناه شدن فهم انسانی را از فرد می‌گیرد. در نتیجه ناشایست بودن حرف خود را نمی‌فهمد تا شرمند شود و باز آن‌را در جامعه تکرار می‌کند.

شاید بتوان گفت که میل جنس زن به اجابت دعوت‌های شیطانی خیلی بیش‌تر از مرد است. البته به این مطلب یقین نداریم. اگر چنین باشد، علت آن این است که خدای متعال یک سری از قوا و نیروهای باطنی که برای زندگی زن و انجام مسئولیت او لازم است را در او قرار داده است. به عنوان مثال نگاه‌داری حمل در ۹ ماه است. احساسات زن بیش‌تر از مرد است، و اگر فرزندش بیمار باشد از شب تا صبح زمستان بیداری را تحمل و از طفل خود مراقبت می‌کند. اما پدر این‌گونه نیست، و این سختی را تحمل نمی‌کند.

خدای متعال برای زن تکلیف و وظیفه معین کرده است و انجام این وظیفه به یک سری از قوا نیاز دارد. در مقابل مرد برای کار و تلاش در جامعه به قدرت‌هایی نیاز دارد که زن محتاج به آن نیست. در برخی برنامه‌های رادیویی معارف که اختلافات در بعضی از ادارات مطرح می‌شود، یک مطلب را مرد چند بار مطرح می‌کند، و گریه هم نمی‌کند، اما یک زن به گریه می‌افتد و نمی‌تواند حرف بزند. چون احساساتی که خدای متعال در او قرار داده، بیش از مرد است. به عکس یک مرد چندین مرتبه ورشکست می‌شود و دوباره کار خود را از ابتدا شروع می‌کند. خدای متعال دو نوع موجود خلق کرده است.

در بازار، هم کار زرگری و هم کار آهن‌گری وجود دارد و هیچ‌کدام نسبت به دیگری برتری ندارد. هم آچار پیچ‌گوشتی بزرگ و هم آچارهای ظریف ساخته شده است که هر یک کاربرد خاص خود را دارد و عدم وجود آن موجب اختلال در کار می‌شود. جایگاه زن و مرد در نظام خلقت هم قابل تعویض نیست. ده‌ها سال قبل غربی‌ها گفته بودند هرگاه خواستید مملکتی را نابسامان کنید جایگاه مرد و زن و پُست‌ها را در آن کشور عوض کنید. به کسی که لیاقت ندارد پست بالا بدهید، و به کسی که بسیار لایق است مسئولیت پایین بدهید که از شدت ناراحتی تاب نیاورد. در ایران از دویست سال قبل همین کار را کردند.

زن و مرد، هریک بایستی ببیند خدای متعال از او چه کارهایی خواسته است، آن‌ها را انجام بدهد، در این صورت ناتوان نمی‌شود. این‌که یهودی‌ها و مسیحیان این امر غیر واقعی را که در کتاب‌های تحریف‌شده‌ی خودشان وجود دارد به اسلام نسبت داده‌اند و گفته‌اند که زن و مرد با هم فرق دارند، و خدای متعال زن را یک موجود کم‌ارزش یا بی‌ارزش معرفی کرده است، یک بعد سیاسی دارد. مسلمانان هم که غالباً غافل بودند فریب خوردند. مرحوم علامه‌ی طباطبایی می‌فرماید که طبق این آیه در اسلام چنین نقطه نظری وجود ندارد.

نمونه&های بی نظیر از گروه بانوان در اسلام

خدای متعال در بین مسلمین نمونه‌هایی مانند حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها به جامعه تحویل داده است که قابل انکار نیست. نظر همه‌ی علمای شیعه این است که مقام این خانم، بعد از پدر بزرگوار و امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه نسبت به سایر انبیا و حتی فرزندان بزرگوار خود بالاتر است. خدای متعال به این خانم چهار فرزند هم عطا کرده است. ایشان از جهت مقام، از جهت فکر، از جهت شعور عالی است.

پدر بزرگوار ایشان سوالی را در بین اصحاب مطرح کردند. هنگامی که آن‍ها نتوانستند جواب صحیح را ارائه کنند، حضرت شخصی را فرستادند تا از آن خانم سؤال کند که نظر ایشان راجع به آن سؤال چیست. خانم برای پدر بزرگوار خود پیغام دادند که بهترین کار و طرح برای زندگی زن در دنیا این است که نه زن، مرد نامحرم را ببیند، و نه مرد نامحرم، زن را ببیند. مقام رسالت با شنیدن این جواب فرمودند: حق همین است، و می‍خواستم به شما بگویم که خدای متعال به این خانم چه عطا کرده است.

هیچ مسلمانی اعتقاد ندارد که قرآن برای آن زمان بوده است و در این زمان کارآیی ندارد. کسی چنین اعتقادی دارد که ابتدا شیطان راه او را منحرف کرده و عمل او را آلوده و زنی به بدی و زنی و زشتی و زنی کرده است. در نتیجه، نظر دادن و زنی و زنی و پیشنهادات او و فتواهای او غیرواقعی است. بیش از نیم قرن قبل خانم امینی و زنی و زنی و زنی در اصفهان، یک فقیه مبرز، حکیم فلسفه و زنی دان، تفسیردان و از همه جهت عالم بود. یکی از علمای قم که خدمت ایشان رفته بود و چند سؤال علمی هم از او کرده بود، به من گفت ایشان با چادر و کاملاً پوشیده در سالن بزرگی که محل ملاقات با مهمان و زنی بود حاضر شد و بسیار قوی به سوالات پاسخ داد.

این نمونه؛ها را خدای متعال به افراد نادان نشان می‌دهد؛ تا آن‌ها را متوجه کند که لازم است برای رشد خود تلاش کنند زیرا آن‌ها هم انسان هستند. یک چهارپا هم متناسب با فهم خود می‌داند که آزادی مطلق وجود ندارد، زیرا هنگامی که غذای کمی برای چند حیوان وجود دارد، هر یک سعی می‌کند دیگری را از آن غذا دور کند و سهم بیشتری به دست آورد. این بدین معنا است که این‌جا دار تزامم است. انسان از دار تزامم و دنیا توقع آزادی مطلق نمی‌تواند داشته باشد، مگر این‌که عقل نداشته باشد. کسی عقل ندارد که دنبال شیطان رفته، گناه کرده و شعور انسانی از او گرفته شده است، در نتیجه محکم می‌گوید که ما آزادی می‌خواهیم.

بنابر این آیه و ZWNJ؛ کریمه، در دین اسلام زن و مرد مساوی قرار داده شده و ZWNJ؛ و هر کدام در هر راهی زحمت بکشند پیش می و ZWNJ؛ روند. اگر مرد بخواهد خود را آلوده کند، و لا تُعْلَمَ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا؛ و می و ZWNJ؛ شود. زن هم چنین است. این دنیا دار اختیار است، یعنی هر کس قادر است که هر کاری بخواهد را انجام دهد و این امر ارتباطی به مرد یا زن بودن ندارد. نمونه و ZWNJ؛ های آن هم نشان داده شده است. از ائمه و ZWNJ؛ ی طاهرین صلوات و ZWNJ؛ الله و ZWNJ؛ علیهم و ZWNJ؛ اجمعین نقل شده است که اگر یک مسئله و ZWNJ؛ ی جدید و مشکلی از ما سؤال کنند، ما به مصحف مادرمان مراجعه و جواب را استخراج می و ZWNJ؛ کنیم. این مصحف در هر زمان در اختیار امام معصوم صلوات و ZWNJ؛ الله و ZWNJ؛ علیهم و ZWNJ؛ اجمعین در آن زمان است.

تساوی مرد و زن در قوای اصولی و قدرت انتخاب

مرد و زن به لحاظ عقل، ادراک و مغز مساوی هستند و بستگی به این دارد که خودشان چه راهی را انتخاب کنند. حضرت زینب صلوات&الله&zwj&علیها یکی از آن مصادیق بوده است. با وجود تمام فشارها آن&zwj&قدر روح آن بزرگان متکی به حق&zwj&تعالی و توحیدشان قوی بود، که یک کلام اشتباه به زبان نمی&zwj&آوردند. هنگامی که آن خانم در کوفه شروع به خطبه خواندن و صحبت کردن با مردم کرد، ((أَوَمَاتٌ أَلِی النَّاسِ)) اشاره به مردم کرد ((أَن انصتوا)). این فرمان کرامت ولایی بود که آن جمعیت و حتی مراکب&zwj&شان هم ساکت و آرام شدند. ((حتی سکتت الاجراس))، زنگ&zwj&ها هم ساکت شد. انسانی که از حقیقت ولایت و ولایت الله، بهره ندارد، نمی&zwj&تواند این مطالب را بفهمد، و سند آن را ضعیف می&zwj&داند. این بزرگواریها، که از اولیای معصومین حق&zwj&تعالی هستند، آن&zwj&قدر کرامت از خود نشان داده&zwj&اند که یک انسان منصف نمی&zwj&تواند منکر شود و تشکیک کند.

اولین خطاب ایشان به اهل کوفه این بود که ای اهل کینه و مکر. شما کسی بودید که با پدر من چنان کردید. حضرت، آن‌ها را برای جنگ با دشمنان خدا دعوت کرد اما نیامدند. امام مجتبی صلوات‌الله‌عزیز‌و‌آلهم‌علیه را عاجز و ناتوان کردند که تا مدائن برای جنگ با معاویه رفتند، اما نامه معاویه به دست ایشان رسید که همراهان شما، در کنترل من هستند و قرار است که شما را به من تحویل بدهند. معاویه بسیار مکار بود. او به پیرمردی که برای دزدیده شدن شترش به او مراجعه کرده بود گفت برو و به امام خود بگو من صد هزار سرباز مثل این دزد دارم که شتر نر را از ماده تشخیص نمی‌دهند! چگونه می‌خواهی با من بجنگی؟

اولیای خدا تا قبل از ظهور آن بزرگوار هر چه ZWNJ&قدر تلاش کنند نمی ZWNJ&توانند در دنیا پیروزی مطلق به وجود بیاورند. به فرموده ZWNJ&ی امام ششم صلوات ZWNJ&الله ZWNJ&علیه پیروزی مطلق کار حضرت صاحب ZWNJ&الامر صلوات ZWNJ&الله ZWNJ&علیه است. معنی این کلام این نیست که ما تحرکی نداشته باشیم، بلکه به هر مقداری که می ZWNJ&توانیم انجام وظیفه می ZWNJ&کنیم. امام رضوان ZWNJ&الله ZWNJ&تعالی ZWNJ&علیه فرمود ما مأمور هستیم انجام وظیفه کنیم، و مأمور به نتیجه نیستیم. در بعضی از جنگ ZWNJ&ها مقام رسالت شکست می ZWNJ&خورد، و شهید می ZWNJ&داد. علت شکست در جنگ احد تخلف گروهی از مسلمانان بود. انسان موجودی دو بعدی است که بعد حیوانی او غفلت در مغز او ایجاد می ZWNJ&کند. در نتیجه، انسان خلاف مرتکب می ZWNJ&شود. علت صدمه خوردن بزرگان کسانی هستند که به وظیفه ZWNJ&ی خود عمل نکرده ZWNJ&اند.